

کارگران آگاه باید اعتراضات پراکنده را در مورد دستمزد و قانون کار سازماندهی نمایند

نوروز باستانی فرا می رسد و کارگران بخاطر فرزندان خود بجای جشن و شادمانی همچون سایر اقشار از تاریخ کهنی که رسیده ، باید همچون سالهای گذشته در التهاب فریبنده ای باشند که سرمایه دارانی در قالب روحانی ، سپاهی و سیاسی مرتجع برای افزایش حقوق ایجاد می کنند . افراد عقب مانده و لمپنی که در طول سلطنت و کمک شاهانی که از شبح سوسیالیسم می ترسیدند ، به تعدادشان افزوده شد و تنها گروه متشکلی شدند که با کسب قدرت در طول ۳۴ سال گذشته جیبهایی را پر از ریال و ارز کردند که در سابق به خمس و زکات و تعدادی هم به نان جویی قانع بودند . قدرتهای بزرگ در این دوره رسانه ای که اخبار براحتی بهمه منتقل می گردد ، دیگر دیکتاتوریهای شاهان و سلاطین را در کشورهای جهان سومی امکان پذیر ندانسته و برای کنترل جنبشهای کارگری آنها را به پوپولیسم و باورهای مذهبی مردم بومی هدایت نمایند . اما همانطور که دست قدرتهای نیوامپریالیستی غرب و شرق برای کارگران و زحمتکشان خود نیز رو شده و با افزایش جنبشهای کارگری خود روبرو هستند ، باید که کارگران کشورهای تحت سلطه سرمایه داری وابسته بومی نیز نیروی خود را باور کرده و با همدیگر متشکل گشته تا در پروسه مبارزه طبقاتی سوسیالیسم را تحقق بخشند.

کارگران ایران از بدو پیدایش سرمایه داری در کشور ، جز در زمانهای کوتاهی نتوانستند با ایجاد تشکلات مستقل به مبارزه طبقاتی بپردازند و این فقدان موجب شده که طبقه حاکم در آسایش کامل به درگیری جناحی خود بپردازند . دلیل اصلی نبود تشکلات مستقل کارگری به عملکرد کارگران آگاه و نیروهای چپ جامعه مرتبط است که بجای سازماندهی کارگران پس از سرکوب شدید سالهای ۶۰ تا ۶۷ ؛ با تقلید مبارزات تنوریکی لنین بهمراه بلشویکها با دیگر سازمانهای بنوعی باورمند به سوسیالیسم ، به درگیری با یکدیگر پرداختند . تفاوت لنین و همراهانشان با بظاهر انقلابیون ایرانی در پراتیک درون طبقه و سایر اقشار سوسیال دموکرات بود ؛ آنها تلاش کردند تا نقد دیگر گروهها را در تفاوت عملکرد خود با دیگران نشان دهند . اما ایرانیانی که خود را کمونیست می نامیده و یا می نامند ، تلاش دارند تا عملکرد دیگران را در سایه بی عملی خود نقد نمایند و بهمین دلیل سنتزی از برخورد بظاهر تنوریکی آنها بوجود نمی آید . یک مشکل اساسی دیگر در ایران این است که برخی از نیروهای چپ فریب سراب ایجاد آلترناتیو در خارج کشور توسط سران گروههای اصلاح طلب ، لیبرال ، دموکرات ، سکولار ، سوسیال دموکرات را خورده اند ، تفاوتی هم نمی کند که آنها باور به حفظ نظام فعلی و یا تغییر آن را داشته باشند.

گروههای نامبرده شده باید که چنین تصویری برای تغییر جامعه داشته باشند ، اما جای تاسف دارد که نیروهای چپ با شعار محوری و یا حاشیه ای مبارزه طبقاتی تن به تفکر اصلاح طلبی و یا سوسیال دموکراتیک می دهند ! اگر تاریخ مبارزاتی در کشورهای جهان و انقلابات سوسیالیستی راه اصلی را از طریق پراتیک درون طبقه نشان نمی دهد ، حداقل نیروهای چپ با تاریخ یک قرن اخیر کشورمان باید باور کنند که بدون جنبشهای کارگری حتی حکومت دموکراتیکی نیز برقرار نخواهد گردید . مروری بر اخبار سایتهای وابسته ایرانی در خارج کشور حاکیست که بیشتر نیروهای چپ تنها منتظر برخورد اشتباهی از مبارزات داخل کشور هستند تا سیل مقالات و انتقادات همچون

مسئله از افراد وابسته جناحی و بیشتر بی عمل بعنوان نقد روانه سایتها کردند. دیگر دانش مبارزه طبقاتی مانده از پیش که نقد را در رابطه با پراتیک جاری می داند، بهیچ شمرده شده و برخوردهای پایان ناپذیر بظاهر تئوریک ذهنی، موضوع اصلی که طبقه کارگر بی تشکل باشد را بفراموشی می سپارد. اما چون پراتیک نیست بتدریج مساله ای که مقالات را موجب گشته بود، فراموش شده و به برخورد تئوریک و حتی فحاشی گروههای چپ از یکدیگر منتهی می گردد تا در سایه بظاهر نقد از کارگران انتقام انشعابات گذشته خود را بگیرند.

بیشتر کسانی که مقالاتی را بر علیه موضوع اخراج منصور اسانلو از هیات مدیره سندیکای شرکت واحد نوشته اند؛ چه جانب یکطرف را گرفته و چه هر دو طرف را کوبیدند، حتی نیم نگاهی به خود و یا گروه وابسته به خود نیانداختند که چه پراتیکی درون طبقه داشته و چه وظیفه ای برعهده آنان است! در مقاله پیشین سندیکای کارگری، شورای کارگری نیست و انقلاب در ذهن صورت نمی گیرد، اشتباه دوطرف در کنار بحث اصلی ذکر گردید و اینکه این موضوع نباید الویت سازماندهی اعتراضات پراکنده کارگران را تحت شعاع قرار دهد. اما سریال مقالات که در آن توهین بجای تحلیل پر است، می خواهند حال که خود نویسندگان کاری انجام نمی دهند، پس چه بهتر موضوع اصلی بررسی چند باره اخراج برای رد گم کردن بی پراتیکی آنها باشد. جای تاسف است که در این میانه رضا رخشانی که حق نقد دارد و باید این اشتباه را به گامی مثبت در جهت ایجاد تشکل کارگران تبدیل کند، با تاثیر از روش سوسیال دموکراسی به توهین می پردازد! وی باید از دو طرف می خواست که اشتباهشان را در پراتیک جبران کرده و بجای افزایش درگیری و پیوستن به درگیری جناحی طبقه حاکم و یا جذب در سوسیال دموکراسی، تجربه خود را در حمایت از طبقه کارگر بی پشتیبان و پر دشمن قرار دهند. آیا اکنون که کارگران مبارز شرکت واحد و کارگران نی بر خوزستان بار دیگر به اعتراضات همگانی پرداخته اند، کسانی همچون هیات مدیره سندیکا، اسانلو، رخشانی، نجاتی و دیگری که تجربه فراوان دارند، نمی توانند در همبستگی بیشتر کارگران مفید باشند؟

در میان اعتراضات پراکنده کارگران که هر روز با بیکاری بیشتر، عدم دریافت حقوق، مشکلات بیمه بازنشستگی، حداقل حقوق، مشکلات قانون کار و صدها مورد دیگر اوج بیشتری می گیرند، تشکیلات زرد خود را در غیاب تشکلات مستقل کارگری، دایه مهربانتر از مادر نشان داده و تلاش در جذب بیشتر کارگران دارند. آنها با شعارهای افزایش حقوق، حفظ قانون کار بشکل پیشین، پرداخت حقوق عقب افتاده، کمک دولت به سرمایه داران برای بسته نشدن واحدهای تولیدی و دهها مورد دیگر به مصاحبه های روزانه پرداخته و رسانه های وابسته با بزرگنمایی آنها را منتشر می کنند تا جذب کارگران ناآگاه به آنها را افزایش دهد. گرچه تشکیلات زرد کارگری وابسته به دولت و جناح رفسنجانی - اصلاح طلبان که در چند ماه اخیر شمیر بر علیه یکدیگر کشیده اند، تنها هدفشان به بیراهه کشاندن کارگران برای اهداف انتخاباتی و کسب قدرت است. چرا که تابحال دیده نشده که مسولی از خانه کارگر، انجمن اسلامی و دیگر تشکیلات زرد کارگری حاضر باشند کارگران ناآگاه عضو خود را در جلوی ادارات دولتی، مجلس و دیگر اماکن عمومی برای تحقق خواسته های کارگران بکشانند. بی جهت نیست که همه گروههای سیاسی برای اهداف خود به جذب کارگران همت می کنند، زمانی که رسانه وابسته جهانی بی بی سی نیز اخبار کارگری را منتشر می کند.

چند تشکل محدود و مستقلی که وجود دارند نیز متاسفانه نه تنها به پشتیبانی از یکدیگر بر نمی خیزند، حتی گاهی سایتها خود را نیز همچون دیگر گروههای چپ، محدود به اخبار و مقالات خاصی می کنند که بیکدیگر تعلق و وابستگی دارند. تشکلاتی که زحمت ۳۰،۰۰۰ امضای کارگران در مورد

قانون کار و دستمزد را کشیده اند ، نباید چند نفر شناخته شده را بعنوان نماینده همه در مقابل تهدیدهای نیروهای امنیتی قرار دهند تا به بهانه امنیت انتخابات ، اعتراضات کارگران ملغی گردد . آگاهان و فعالین کارگری باید به کارگران بگویند تا دولت و مسولین جوابی به امضاها نداده و تنها راه اینستکه از کارگران بخواهند تا خود راه دیگری بیابند . باید دانست که اختلافات جناحی برای انتخابات درپیش و مذاکرات هسته ای بیشترین نیروی مسولین نظام را در داخل و خارج کشور جذب کرده و اگر از یکی و یا هر دو مشکل فارغ شوند ، آنگاه بکمک یکدیگر مجددا شدت سرکوب را بیشتر خواهند کرد . همه کارگران آماده باید به اعتراضات دستجمعی بپردازند ، چون آشکار است که تصویب حداقل حقوق که تقریبا همانند سالهای پیش است تا روزهای آخر سال اعلام نمی گردد تا در تعطیلی سال نو مسولین نفسی براحتی بکشند .

سزاوار است اینهمه اعتراضات کارگران ، پراکنده مانده و نتیجه ای از آن بدست نیاید و تشکلات محدود مستقل موجود در حد حفظ خود بکوشند و یا ضروری است که با سازماندهی بخشی از کارگران به تعداد تشکل مستقل افزوده گردد . موضوع زمانی شکل تراژدی می گیرد که در این بهبوهه که کارگران ایران بی پشتیبانند و حتی قادر نیستند به حقوقی مطابق تورم دست یابند ، گروهی که خود را حزب کمونیستی میخوانند ، در بیانیه ای اعلام می کنند که کارگران نفت جنوب عراق چشم به حمایت ما دوخته اند . آنها از کارگران و فعالین کارگری می خواهند که از کارگران عراق حمایت کنند ! بیانیه در انتها می افزاید ؛ دفاع از کارگران نفت جنوب وظیفه طبقاتی ما و دفاع از حرمت و کرامت (کلمات بی بار مبارزه طبقاتی ؟) کل طبقه کارگر چه در عراق و چه در ایران و منطقه است ، ضروری است که بهر شیوه که می توانیم در کنار همسرانشان خود در جنوب عراق باشیم ، طبقه کارگر چه در عراق و چه در ایران به این همبستگی طبقاتی محتاج است . کسی منکر انترناسیونالیسم و همدردی کارگران سراسر جهان نسبت بیکدیگر نیست ، اما روشن است چگونه بی پراتیکی درون طبقه کسانی را وادار به حمایت از انقلابات ذهنی در سراسر جهان کرده و ضرورتها را تا چه حد دور و غیرممکن می سازند . آیا کارگران نفت بصره در پی حمله به دو کارگر ایرانی در کردستان عراق و یا برای آزادی بهنام ابراهیم زاده که تنها فرزندش با بیماری سختی دست به گریبان است ، اقدامی کرده اند ؟

آیا برای نیروهای باورمند به مبارزه طبقاتی و فعالین کارگری قابل تصور است که ۳۰ ماه حقوق عقب افتاده برای کارگران لوله سازی اهواز چه مفهومی برای خانواده های آنها دارد ؟ آیا برای آنها قابل درک است خانواده های صدها کارگر صنایع فلزی که پس از سالها کار سخت و رنج بازنشسته شده اند ، ماهها حقوق طلب دارند ؟ آیا برای آنها قابل حس است که مزدور خانه کارگر قزوین اعلام کند که ۱،۷۰۰،۰۰۰ کارگر در انتظار عیدی ناچیز هستند و یا مزدور دیگری بگوید که جدال تشکلهای کارگری منافع کارگران را به حاشیه برده است ؟ آیا درد خانواده های کارگران رانه دژ که پس از یکسال کار بدلیل نپرداختن هزینه ها توسط وزارت کار بلاتکلیف بوده و هنوز حقوقی دریافت نکرده اند ، آنها را وادار به کار جمعی می کند ؟ چه کسانی باید غم خانواده های کارگران بیکار سد زیویه کردستان را در این دوران بیکاری بخورند ؟ آیا کارگر آگاه و فعال کارگری می تواند آسایش داشته باشد ، زمانیکه خانواده های ۱۲۰۰ کارگر پروفیل ساوه ۶ ماه بدون حقوق هستند ؟ چه کسانی باید به نمایشهای جنگ زرگری برای تعیین حقوق سال ۹۲ تشکیلات زرد وابسته جناحی که قانون کار فعلی را مناسب می دانند ، پایان داده و برای ایجاد تشکل مستقل کارگری فعالیت کنند ؟ آیا بازم باید ایجاد سندیکای مستقل را در مقابل تشکیلات زرد انحرافی و تنها نوع دیگری از تشکل را

کارگری دانست و آیا کارگران آگاه و فعالین کارگری باید به اختلافات منتج از سوسیال دموکراسی تن داده و مبارزه طبقاتی را فراموش کرده تا بیشترین استفاده به دولت و طبقه سرمایه دار برسد؟ باید به کارگران شرکت واحد آفرین گفت که ضرورت را شناخته و در پی ۲۰۰۰ امضا برای تعیین دستمزد سال ۹۲ با توجه به تورم سالهای ۹۱ و ۹۲، بدون اجازه نیروهای امنیتی در مقابل وزارت کار تجمع کردند. باید به کارگران پیمانکاریهای پتروشیمی منطقه بندر امام آفرین گفت که با وجود رسمی شدن تعدادی از کارگران، تداوم اعتراضات آنها برای رسمی شدن سایرین کاسته نشده و ادامه دارد. باید به کارگران نی بر خوزستان آفرین گفت که با وجود مشکلات مالی چند بار به تهران آمده و جلوی مجلس جمع شده اند و سرانجام نمایندگان مفت خور سرمایه داران را بفرار راهی انداخته اند، آنها اینکار را آنقدر انجام خواهند داد تا به حقوق خود برسند. باید به کارگران صنایع فلزی آفرین گفت که برای دریافت حقوق عقب افتاده بارها و بارها جلوی استانداری تجمع می کنند. باید به کارگران صنایع قند اهواز آفرین گفت که برای یازدهمین بار مقابل استانداری تجمع کرده و از پا نمی نشینند. چه دردناک است که کارگران بسیاری از واحدهای نامبرده و بسیاری دیگر که نامشان برده نشده، با دست خالی و بدون کمک مدعیان رهبری کارگران، به دفاع از منافع خود برخاسته اند. امید که کارگران آگاه و فعالین کارگری با هماهنگی با دیگر کارگران بتوانند برای وسعت بخشیدن به تجمعات، این اعتراضات پراکنده را سراسری نموده تا علاوه بر گرفتن خواسته های اقتصادی، ضرورت ایجاد تشکل مستقل بیشتر را تحقق بخشند.

گروه پژوهش کارگری اسفند ۱۳۹۱
پیوستها

[http://www.syndicavahed.asia/index.php?option=com_content&task=view
&id=428&Itemid=9](http://www.syndicavahed.asia/index.php?option=com_content&task=view&id=428&Itemid=9)

<http://www.etehadyh.com/?page=news&nid=2852>

[http://www.khamahangy.com/index.php?option=com_content&view=artic
le&id=1288:1391-12-08-21-35-46&catid=14:1389-12-23-23-57-
18&Itemid=27](http://www.khamahangy.com/index.php?option=com_content&view=article&id=1288:1391-12-08-21-35-46&catid=14:1389-12-23-23-57-18&Itemid=27)

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=47908>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=46995>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=50901>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=51374>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=51580>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=52991>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=48332>